

The political and Social Role of Hazrat Hamza in Defending the
Prophet (PBUH) and the consolidation of Islam

*Sayyed Reza Mahdinejad*¹

Received: 2021/01/01 | Accepted: 2021/02/28

(DOI): [10.22034/SKH.2021.6256](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6256)

promotional Article

P 134 - 154

Abstract

One of the ways of divine help to his prophets is through outstanding companions within the same community and nation which that prophet was raised. In the case of the Holy Prophet of Islam, the Prophet Muhammad (PBUH) there were also a number of his relatives and friends who played a prominent role in supporting that Prophet in conveying his mission and establishing Islam. Among these prominent people, we can mention Hamza Sayyid al-Shuhada, the dear uncle of the Messenger of God. This outstanding character, especially after converting to Islam, played an effective role in defending the Holy Prophet and establishing and spreading Islam. Considering the social position and prestige as well as the personal characteristics and abilities of Hazrat Hamza (PBUH), his role in political and social aspects, especially in the field of jihad and military defense of the Prophet and Muslims is very prominent. This article seeks to take a brief look at this matter and explore a part of it.

Keywords: Islam, the Holy Prophet, Hamza (PBUH), support, political-social role.

1- Assistant Professor, Department of History of Islamic Civilization, Al-Mustafa International University qom, iran, sr_mahdinejad@miu.ac.ir



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش سیاسی، اجتماعی حضرت حمزه (ع) در حمایت از

پیامبر (ص) و تثبیت دین اسلام

سید رضا مهدی نژاد^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.6256](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6256)

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۰

نوع مقاله: ترویجی

ص ۱۵۴/۱۳۴

چکیده

حمزه سید الشهداء (ع) از جمله نزدیکان رسول خدا (ص) بود که جایگاه و نقش برجسته‌ای در حمایت از آن حضرت و تثبیت و گسترش دین مبین اسلام ایفا نمود. به رغم آنکه در پژوهش‌های اندک موجود، کمابیش به این موضوع توجه گردیده، اما همچنان جای بررسی و تحلیل آن از جهات گوناگون وجود دارد. نوشتار حاضر در صدد است این موضوع را از منظری سیاسی، اجتماعی و با روش تاریخی، تحلیلی مورد واکاوی قرار دهد. کوتاه سخن می‌توان گفت، با توجه به جایگاه و منزلت اجتماعی حمزه (ع) در محیط اجتماعی، سیاسی جامعه حجاز از یکسو و ویژگیها و توانمندیهای شخصی ایشان از سوی دیگر، نقش سیاسی، اجتماعی آن حضرت در حمایت از پیامبر و تثبیت دین اسلام بسیار برجسته بود. حمایت‌های سیاسی، اجتماعی او از پیامبر (ص) در دوران دشوار مکه، حتی پیش از اسلام آوردن و بویژه پس از آشکار نمودن اسلام تا هنگام هجرت و همچنین در دوران حساس مدینه، بویژه در وقایع مهمی مانند بدر و احد به اندازه‌ای برجسته است که می‌توان گفت نقش او در دفاع از رسول خدا و تثبیت و گسترش دین اسلام ایفا نمود. انلوه بسیار پیامبر و خشنودی بیش از حد مشرکان از شهادت حضرت حمزه، گویای نقش آفرینی برجسته و مؤثر او در دفاع از پیامبر و تثبیت و گسترش دین اسلام است.

^۱ - استادیار جامعه المصطفی (ص) العالمیه قم، قم، ایران، sr_mahdinejad@miu.ac.ir

واژگان کلیدی: اسلام، پیامبر اکرم(ص)، حمزه (ع)، جایگاه، موقعیت اجتماعی، نقش سیاسی، اجتماعی

مقدمه

انبیاء الهی، فرستادگان خدا برای هدایت بشریتند و خداوند نیز طبق وعده قطعی خویش، آنان را در مسیر دشوار انجام وظیفه سنگین رسالت از طرق گوناگون یاری رسانده، اما این امداد نه الزاماً از طرق غیبی و معجزه، بلکه عمدتاً از مجرای عادی و در بستری طبیعی و از طریق عوامل انسانی محقق گردیده است. یکی از راههای امداد، از طریق یارانی برجسته و توانمند از درون جامعه و قومی می‌باشد که پیامبر در میان آنها برانگیخته شده است. این موضوع، بویژه در سالهای آغازین رسالت پیامبران که موانع و دشواریهای فراوانی پیش روی آنان قرار دارد، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. حال این امداد ممکن است توسط بستگان و نزدیکان انبیاء صورت گرفت باشد یا دیگران، اما به مقتضای آنکه سنت الهی بر این بوده است که دعوت انبیاء از میان خاندان و نزدیکان خود آغاز شود، طبعاً یاری بستگان اهمیت بسیاری در این مسیر داشته است. موارد متعددی از این گونه امداد را در زندگی پیامبران می‌توان مشاهده نمود.

در مورد پیامبر خاتم، حضرت محمد(ص) نیز تعدادی از بستگان و نزدیکان ایشان بودند که نقش برجسته‌ای در حمایت از آن حضرت در ابلاغ رسالت خویش و تثبیت دین مبین اسلام ایفا نمودند. از جمله این افراد شاخص می‌توان به ابوطالب(ع) و حمزه سید الشهداء(ع)، خدیجه(س) و علی بن ابیطالب(ع) اشاره نمود. هرکدام از شخصیت‌های مذکور، به نوعی از پیامبر حمایت نموده و او را در مسیر دشوار پیش رو یاری رساندند. برخی از این حمایت‌ها جنبه اجتماعی، سیاسی و نظامی داشته و برخی دیگر صبغه اقتصادی و غیره. رسول خدا(ص)، از هر یک از افراد فوق به نوعی یاد و از نقش ارزنده آنان در حمایت از آن حضرت و تثبیت و ترویج اسلام، تمجید و تجلیل نموده است. روایت منقول از آن حضرت که: «بهترین برادرانم، علی و بهترین عموهایم، حمزه است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۲۷۴)، حکایت از جایگاه والا و نقش برجسته حمزه(ع) در این جهت دارد.

حمزه سیدالشهداء، از شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام است که موقعیت ویژه‌ای نزد رسول خدا داشت و به عنوان حواری آن حضرت شناخته می‌شد (بغدادی، بی‌تا: ۴۷۴؛ فسوی، ۱۴۰۱، ج ۱:

۵۳۵). او در شرایطی که پیامبر اسلام به یاران صدیق و حامیان دلسوز و توانا نیازمند بود، به یاری آن حضرت شتافت و در دفاع از پیامبر فداکاری بسیاری نمود. این حمایتها با توجه به تقابل سیاسی و نظامی پیامبر و مسلمانان با کفار قریش در سالهای دشوار آغازین اسلام، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. همراهی او با پیامبر به عنوان برگ برنده‌ای در صف مسلمانان بود و کفه ترازوی آنان را در برابر مشرکان سنگین نمود. حمزه در مقاطع حساس و دشوار همواره در کنار پیامبر بود و به ویژه پس از هجرت پیامبر به مدینه و آغاز درگیریهای نظامی میان مسلمانان و قریش، چهره‌ای بارز در این رویارویی‌ها به شمار می‌رفت و نقش مؤثری در پیروزی مسلمانان داشت. با توجه به اسناد و گزارشهای تاریخی، نقش حضرت حمزه در دفاع از رسول خدا و تثبیت و گسترش دین اسلام بیشتر صبغه نظامی داشته و در آثار موجود نیز این جنبه پررنگتر نشان داده شده است.

نوشتار حاضر در نظر دارد این نقش را از منظری سیاسی، اجتماعی و با توجه به جایگاه و منزلت اجتماعی حمزه (ع) در جامعه حجاز مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. ذکر یک نکته مقدماتی در این جا لازم است که با توجه به کمبود شدید منابع و آثار پژوهشی در مورد حضرت حمزه (ع)، طبعاً این تحقیق نیز بسان آثار دیگر در این زمینه با دشواریهای خاصی از این جهت مواجه است. در عین حال تلاش خواهد شد بر اساس اطلاعات اندک موجود در منابع معتبر این موضوع مورد واکاوی قرار گیرد. نکته دیگر آنکه، با توجه به ماهیت موضوع، رویکرد بحث نیز تاریخی، اجتماعی می‌باشد و با روش توصیفی، تحلیلی به واکاوی آن خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

حضرت حمزه (ع) از جمله شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام به شمار می‌رود که نه در منابع نخستین مطالب زیادی در مورد ایشان وجود دارد و نه محققان معاصر چنانکه باید به ایشان پرداخته اند. صرف نظر از منابع و آثار عمومی در مورد تاریخ اسلام و صحابه که در ضمن آن به زندگانی حمزه نیز پرداخته اند در دوره اخیر، آثار مستقلاً در این زمینه پدید آمده که اغلب در سطح عمومی و برای مخاطب عام تهیه شده است.

از میان نویسندگان معاصر ایرانی، مرحوم محمد صادق نجمی، از جمله کسانی است که آثاری در این مورد نگاشته است. کتاب «حمزه سید الشهداء» مهمترین اثر وی در این زمینه به شمار می‌رود که در آن به زندگینامه حضرت حمزه؛ حضرت حمزه از دیدگاه قرآن، پیامبر (ص) و

اُتمه(ع)؛ حضرت حمزه در جنگها بویژه دو جنگ بدر و احد و همچنین به تلاش دشمنان برای مخدوش کردن شخصیت حمزه پرداخته است. علاوه بر این کتاب، ایشان مقالاتی نیز در این زمینه تألیف نموده که عمدتاً در نشریه میقات حج منتشر گردیده و غالب مطالب آن نیز در کتاب مذکور آمده است. در این آثار، اگرچه به صورت پراکنده اشاراتی به نقش سیاسی، اجتماعی حمزه در دفاع از پیامبر و دین اسلام شده است، اما با توجه به رویکرد عام آن، به صورت مستقل بحثی در این زمینه ننموده است.

از آثار دیگر می‌توان به کتاب «حضرت حمزه، مدافع حق» محمد باقر علم الهدی اشاره نمود. هدف نویسنده این است که دیدگاه برخی نویسندگان اهل سنت که حمزه را تنها یک چهره جنگجو معرفی می‌کنند مورد نقد قرار دهد «حمزه سید الشهداء، اسد الله و اسد رسول الله»، اثر دیگری است که احسان سوقیان نگاشته است. نویسنده در این کتاب به زندگینامه حضرت حمزه و اقدامات او در وقایع مهم تاریخ اسلام پرداخته است. علاوه بر این آثار دیگری نیز به زبان فارسی نگاشته شده است که بیشتر رویکرد عمومی دارد.

در زبان عربی نیز آثاری در مورد حمزه تألیف شده است که مانند آثار فارسی، اغلب با رویکردی عام به زندگی آن حضرت پرداخته اند و کمتر اثری تخصصی در این زمینه دیده می‌شود. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «الحمزه بن عبدالمطلب، سید الشهداء و اسد الله»، اثر جمیل ابراهیم حبیب؛ کتاب «الحمزه بن عبدالمطلب»، اثر محمد علی دخیل؛ «الشهیدان الخالدان، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب، اثر محمد علی اسیر و آثار دیگر اشاره نمود. اگرچه در آثار فوق به نقش و اقدامات سیاسی، اجتماعی حضرت حمزه در دفاع از پیامبر به صورت پراکنده پرداخته شده، اما به رغم اهمیت موضوع، به نظر می‌رسد اثر مستقلی در این باب به رشته تحریر نیامده است و جای پژوهشی مستقل در این موضوع وجود دارد. نوشتار حاضر گامی آغازین و ناچیز در این باب به شمار می‌رود که تلاش نموده است این موضوع مهم و تأثیرگذار در زندگی حضرت حمزه را به طور خاص مورد توجه قرار دهد.

الف. چارچوب مفهومی

۱. نقش

نقش، یکی از مفاهیم اساسی در جامعه و بسیار پرکاربرد در علوم اجتماعی و انسانی است. متداولترین معنای نقش در میان جامعه‌شناسان، ناظر به اعمالی است که هر فرد متناسب با

پایگاه و موقعیتی که در جامعه دارد انجام می‌دهد. نقش، معرف رفتاری است که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد، حق دارد از او انتظار داشته باشد (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۲). به بیان دیگر، نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند (کوئن، ۱۳۸۷: ۸۰). از منظر دیگر، نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اشغال می‌کنند داده می‌شود. فرد در طول زندگی خود، نقش‌های گوناگون را در مراحل پی‌درپی یا همزمان ایفا می‌کند و ترکیب مجموعه نقش‌هایی که ایفا کرده است، شخصیت او را شکل می‌دهد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۲۷۱ و ۲۹۸). نقش‌ها ممکن است توسط شرع، عرف یا قانون تعیین گردند.

جامعه‌شناسان نقش را به دو نوع تقسیم می‌کنند: ۱. نقش محول یا انتسابی؛ که فرد طبق انتظارات جامعه و بر اساس جایگاه و موقعیتی که در جامعه دارد، ایفا می‌کند مانند نقش پدر در خانواده. ۲. نقش محقق یا اکتسابی؛ که شخص با عزم و اراده و صلاحیت شخصی خود آن را به‌دست می‌آورد (نیک‌گهر، ۱۳۸۹: ۲۱۲)، مانند نقش معلم در جامعه.

۲. جامعه و اجتماع

دو واژه جامعه و اجتماع کاملاً به هم مرتبط است. اجتماع به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در قلمرو جغرافیایی مشخصی باهم و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند اما جامعه شبکه‌ای از روابط اجتماعی است. برخی از جامعه‌شناسان بین این دو تمایزی قائل نیستند از این رو در تعریف جامعه می‌گویند؛ جامعه مجموعه‌ای از افراد است که بر اثر سنن، آداب و رسوم، شیوه‌های زندگی و فرهنگ مشترک به هم پیوسته اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۳: ۲۴۱). شاید بتوان گفت، جامعه بستر شکل‌گیری اجتماع به شمار می‌رود و نسبت به آن، بزرگ‌تر و سازمان‌یافته‌تر است. بنابر آنچه گفته شد امور و مسائل اجتماعی، به اموری گفته می‌شود که به جامعه و اجتماع مرتبط است و جنبه اجتماعی دارد.

۳. سیاست

سیاست نیز از جمله واژگان پیچیده و دشواری به شمار می‌رود که تعاریف بی‌شماری از آن ارائه شده است. در لغت به معنای حکم راندن، ریاست کردن، ادره نمودن، تدبیر امور و مانند آن آمده است، اما در اصطلاح تعاریف متعدد و گوناگونی از آن وجود دارد. بسیاری از تعاریف مذکور جدید است و قابل انطباق بر جامعه حجاز عصر ظهور اسلام نیست، اما شاید بتوان تعاریف قدرت

محور را از سیاست را به نوعی در این نوشتار مد نظر قرار داد. بر اساس این تعاریف، جوهره اصلی سیاست، قدرت است و هر جایی که مناسبات قدرت به هر شکلی (سازمان یافته یا غیر سازمان یافته) و در هر سطحی (گروهی، اجتماعی، حکومتی و دولتی یا بین المللی) در جریان باشد سیاست وجود دارد (ابوالحمه ۱۳۸۲: ۲۹). بنابراین، سیاست در جامعه قبیله محور حجاز در قالب اعمال قدرت توسط سران قبایل و افراد دارای ویژگیها و توانمندیهای خاص متجلی می‌گردد و در جامعه نبوی مدینه و پس از تشکیل حکومت اسلامی، به شکلی دیگر و در قالبی بازسازی شده از تلفیق اصول و ارزشهای اسلامی و خصوصیات جامعه حجاز.

۴. نقش اجتماعی و سیاسی

بنابر آنچه گفته شد دو واژه اجتماع و سیاست اگرچه از یکدیگر متمایز، اما به شدت به هم پیوسته اند. بنابراین هنگامی که از نقش اجتماعی و سیاسی نیز سخن می‌گوییم، شاید تمایز کامل این دو از یکدیگر میسر نباشد.

با توجه به تعریف نقش، اساساً نقش در ذات خود ماهیتی اجتماعی دارد. نقش اجتماعی متشکل از رفتارهایی است که در تعامل با یکدیگرند و بر محور یک کارکرد اجتماعی گرد هم می‌آیند. به بیان دیگر، نقش اجتماعی شامل رفتار و وظیفه‌ای است که یک شخص بر اساس پایگاه و موقعیت اجتماعی خود در داخل یک گروه یا اجتماع به عهده می‌گیرد. اما نقش سیاسی ناظر با آن بخشی از نقش اجتماعی است که مربوط به حوزه قدرت، سیاست و حکومت می‌باشد. با این تعریف می‌توان گفت که رابطه نقش اجتماعی و سیاسی، عام و خاص است و نقش سیاسی جزئی تر از نقش اجتماعی به شمار می‌رود. اگرچه امروزه، با پیشرفت علوم و تمایز علوم اجتماعی از یکدیگر، جامعه‌شناسان و دانشمندان علم سیاست، بین دو حوزه اجتماعی و سیاسی و نقش های آن تمایز می‌نهند اما در جوامع سنتی، بویژه با توجه به عدم تشکیل دولت و نهادهای سیاسی به شکل امروزی تمایز کامل آنها از یکدیگر دشوار است.

بنابر آنچه گفته شد در این نوشتار، مراد از نقش اجتماعی، نقشی است که ناظر به پایگاه و موقعیت اجتماعی حضرت حمزه (ع) در جامعه مکه بوده و مراد از نقش سیاسی، نقشی است که مرتبط به پایگاه قدرت و توانمندیهای سیاسی و نظامی ایشان می‌باشد. اما با توجه به نکته پیش گفته، یعنی عدم وجود دولت و نظام سیاسی در جامعه حجاز صدر اسلام و اعمال قدرت در بافت و ساختار اجتماعی سنتی، این دو به شدت در هم تنیده‌اند لذا در این نوشتار نیز این دو در کنار

هم آمده است.

۵. موقعیت اجتماعی

مفهوم دیگری که کاملاً مرتبط با مفهوم نقش اجتماعی بوده و به نوعی از یکدیگر جدایی ناپذیرند مفهوم پایگاه و موقعیت اجتماعی است. پایگاه را معمولاً به رتبه و موقعیت شخص در گروه یا جامعه تعریف می‌کنند. موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه به خود اختصاص می‌دهد. این جایگاه ممکن است انتسابی باشد یا اکتسابی. موقعیت‌های انتسابی معمولاً ارثی و نسبی و گاه سببی هستند اما موقعیت و منزلت اجتماعی با تلاش و کوشش فرد به دست می‌آید. نقش‌های اجتماعی نیز بر اساس موقعیت‌های اجتماعی تعریف می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴). بر این اساس، نقش‌های محول مبتنی بر موقعیت انتسابی و نقش‌های محقق مبتنی بر موقعیت اکتسابی است.

در نوشتار حاضر، نقش انتسابی حضرت حمزه، ناظر به پایگاه نسبی ایشان به عنوان عضوی از قبیله قریش و به طور خاص خاندان بنی هاشم و فرزند عبدالمطلب و رابطه نسبی ایشان با رسول خدا(ص)، به عنوان عمومی آن حضرت می‌باشد و نقش اکتسابی ایشان از یکسو به عنوان فردی دارای ویژگیها و توانمندیهای شخصیتی خاص مانند شجاعت و جنگاوری و از سوی دیگر به عنوان یک مسلمان که با اراده و اختیار خویش اسلام را اختیار نمود، معنا می‌یابد. در بررسی نقش حضرت حمزه در حمایت از پیامبر باید به هر دو نوع نقش توجه نمود؛ از یکسو انتظاری که جامعه به صورت طبیعی از حمزه به عنوان عمومی پیامبر در حمایت از ایشان داشت؛ اگرچه ابولهب، عمومی دیگر پیامبر، همین نقش محول و انتسابی را نیز انجام نداد و عکس آن عمل نمود، اما ابوطالب و حمزه(ع) به خوبی از عهده آن برآمدند. از سوی دیگر، انتظار ایفای نقشی که از حمزه با توجه به توانمندیها و منزلت اجتماعی او به عنوان یک مسلمان مقتدر می‌رفت که حمزه(ع) از این آزمون نیز سربلند بیرون آمد. از نظر تاریخی، حمایت‌های حمزه از پیامبر تا پیش از اسلام آوردن را می‌توان بیشتر در قالب نقش انتسابی برشمرد و پس از آن در ذیل هر دو نقش، بویژه نقش اکتسابی قابل تفسیر است. از نظر نوع نقش نیز، نقش اجتماعی و سیاسی آن حضرت در دفاع از پیامبر و دین اسلام در این یک دهه در هم تنیده است و چندان قابل تفکیک و تمایز نیست، اما می‌توان گفت در دوران مدینه با توجه به تشکیل حکومت اسلامی، نقش سیاسی او پررنگتر از دوران مکه بود.

ب. موقعیت اجتماعی، سیاسی و ویژگیهای شخصی حمزه (ع)

۱. جایگاه و منزلت اجتماعی حضرت حمزه (ع)

یکی از نکات مهم در مورد حضرت حمزه و دیگر حامیان نزدیک پیامبر، جایگاه و منزلت اجتماعی آنان می‌باشد این موضوع، بویژه در جامعه قبیله‌ای حجاز از اهمیت دوچندانی برخوردار بود. ساختار سیاسی جامعه حجاز بر اساس ساختار اجتماعی آن شکل گرفته و این هر دو بر بافت قبیله و نظام قبیله‌ای استوار بود. در نظام قبیله‌ای، قدرت و حکومت از آن سران و متنفذان بود که بر پایه جاهت و شرافت خود در میان مردم مطاع بودند (علی، ۱۹۷۶، ج ۴: ۴۸). در واقع قبیله، هم پایگاه اجتماعی به شمار می‌رفت و هم پایگاه قدرت سیاسی. جایگاه قبیله در میان قبایل متعدد موجود در جامعه، تعیین کننده درجه پایگاه اجتماعی و میزان قدرت سیاسی آن به شمار می‌رفت. پیش از ظهور اسلام، قریش ریاست شهر مکه را از قبیله خراعه گرفته و با تصدی امور کعبه بر امتیازات خود افزوده بود (شهیدی، ۱۳۶۹: ۳۴-۳۵). به همین دلیل، موقعیت اجتماعی و قدرت سیاسی قریش نسبت به دیگر قبایل مکه در جایگاه برتری قرار داشت. از این رو، افرادی که وابستگی به این قبیله داشتند و بویژه از سران آن به شمار می‌رفتند هر یک به نوعی از این دو ویژگی برخوردار بودند.

موضوع مهم دیگر در این نظام اجتماعی، نسب بود. قبیله برای دوام خود به عاملی به نام نسب تکیه داشت. قریش با توجه به نسب خویش، از پایگاه اجتماعی بالایی در مکه برخوردار بود. طایفه بنی‌هاشم، از مهمترین تیره‌های قریش به شمار می‌رفت. هاشم، جد اعلای پیامبر به دلیل دارا بودن مناصب مربوط به کعبه و اقدامات خود، جایگاهی رفیع در میان قریش داشت. عبدالمطلب، فرزند او نیز علاوه بر داشتن مناصب سقایت و رفادت، به سبب خصلت‌های بزرگ‌منشانه‌اش نزد مردم مکه حرمت یافت. همچنین حفر چاه زمزم نیز بزرگی مقام او را در نظر حج‌گزاران دوچندان کرد. بنی عبدمناف و از آن جمله بنی‌هاشم بر سایر قریش فخر می‌فروختند و سقایت از این چاه را برای خود افتخاری بزرگ تلقی می‌کردند.

در چنین نظام اجتماعی، موافقت یا مخالفت و همراهی یا ناهمراهی سران قبایل و شخصیت‌های متنفذ بویژه بزرگان قریش، می‌توانست نقش بسیار مهمی در پیشبرد اهداف پیامبر در تثبیت و گسترش اسلام داشته باشد. در شرایطی که مخالفان جدی پیامبر، جملگی از سران قبایل و افراد ذی‌نفوذ بودند اگر حامیان پیامبر افرادی بودند که از جایگاه و پایگاه برجسته

اجتماعی برخوردار نبوده طبعاً حمایت آنان نیز تأثیر زیادی در پیشبرد اهداف رسول خدا نمی‌توانست داشته باشد؛ چرا که در مقابل کفار قریش که اغلب از سران قبایل و افراد قدرتمند از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند، لازم بود افرادی برجسته قد علم نموده و به عنوان وزنه‌ای در کنار پیامبر قرار گیرند تا کفه توازن قوا را به نفع پیامبر تغییر داده و او را در این مسیر به غایت دشوار یاری نمایند این ویژگی در میان برخی حامیان برجسته پیامبر، مانند ابوطالب و حمزه، عموهای بزرگوار آن حضرت وجود داشت.

حمزه از بزرگان قریش و در شمار اشراف بنی‌هاشم بود. او از جمله فرزندان عبدالمطلب بود که در روزگار جاهلیت در قریش ریاست یافت و چنان جایگاهی داشت که برخی با او پیمان می‌بستند (بغدادی، ۱۴۰۵: ۲۴۳، ۳۳۱، ۴۲۱). پایگاه و موقعیت اجتماعی حمزه (ع) در میان قریش و در شهر مکه به گونه‌ای بود که او را جزء سران قریش می‌شمردند و حمایت چنین شخصیتی از پیامبر (ص) می‌توانست تأثیر تعیین کننده‌ای در پیشبرد اسلام داشته باشد. اگرچه در زمان حیات ابوطالب نیز حمزه از حامیان جدی پیامبر به شمار می‌رفت، اما پس از رحلت ایشان، عملاً جایگزین او در ایفای نقش حمایتی از رسول خدا گردید و نقش موثری در این جهت ایفا نمود.

۲. ویژگیها و توانمندیهای شخصی حمزه (ع)

یکی دیگر از خصوصیات اجتماعی جامعه حجاز و بویژه شهر مکه، اهمیت و ارزش ویژگیهایی مانند شجاعت، جوانمردی، بخش و کرامت بود و افرادی که از چنین ویژگیهایی برخوردار بودند در جامعه و میان مردم جایگاه و ارزش و اعتبار بالایی داشتند. حمزه (ع) در میان مکیان به جوانمردی شهرت داشت و قریش او را به این سبب دوست می‌داشتند. بنا به نقل برخی منابع، حمزه در پیمان حلف الفضول شرکت داشته است (ابن هشام، ج ۱: ۱۸۶). او در شجاعت، دلاوری و جنگاوری زبانزد بود (اسکافی، ۱۴۰۲: ۸۹). ابوطالب در شعر خود، حمزه را همچون شیری که از شکوهش می‌ترسند معرفی نموده است: «و حمزه الاسد المخشی صولته» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵: ۸۹). به نقل طبری، در میان بنی‌هاشم، مردی نیرومندتر از حمزه نبود و مکیان او را بزرگ داشته و از او خوف داشتند (طبری، ۱۳۸۰: ج ۳: ۵۴). شجاعت و دلاوری او به اندازه شهرت داشت که پس از شهادتش نیز، پیوسته ضرب‌المثل بود (جاحظ، ۲۰۰۲: ۴۲۸، ۴۵۰).

ویژگیها و توانمندیهای فوق نیز در دفاع از پیامبر و دین اسلام بسیار مؤثر و کارآمد بود و دریافت القابی چون «اسدالله و اسد الرسول» از پیامبر اکرم (ابن هشام، ج ۱: ۱۵۱؛ واقعی، ۱۴۰۹،

ج ۱: ۶۸) گواهی روشنی بر این تأثیرگذاری به شمار می‌رود. با عنایت به آنچه گفته شده حمزه(ع) از یکسو دارای جایگاه و منزلت اجتماعی برجسته و شخصیتی ممتاز از جهات گوناگون بود و از سوی دیگر، ویژگیها و توانمندیهای برجسته‌ای داشت، از این رو حمایت چنین شخصیتی از پیامبر، تأثیر بسزایی در تثبیت دین اسلام و گسترش آن بر جای گذارد.

ج. نقش سیاسی، اجتماعی حضرت حمزه(ع) در دوران مکه

اگرچه حمزه(ع) پیش از اسلام آوردن و در زمانی که هنوز اسلام خود را آشکار ننموده بود نیز از پیامبر اکرم(ص) در مقابل آزار مشرکان حمایت نموده و طبق نقل‌های تاریخی، توهین‌های ابولهب و سایر مشرکان به پیامبر(ص) را تلافی می‌کرد (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۴۹. بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۴۷)، اما نقش اصلی آن بزرگوار در حمایت از پیامبر(ص)، پس از اسلام آوردن آشکار گردید؛ چرا که در صحنه‌های گوناگون و حساس با حمایت قاطع و شجاعانه خویش، ایمان خود را به پیامبر و عزم راسخش را در دفاع از آن حضرت و دین مبین اسلام نشان داد. تمرکز این نوشتار بر این دوره، یعنی از اسلام آوردن تا شهادت حضرت حمزه می‌باشد.

۱. اسلام آوردن حمزه(ص) و تحول اجتماعی در دعوت پیامبر(ص)

در مورد اسلام آوردن حمزه دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی سال دوم (مسعودی، ۱۳۷۶: ۱۱۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۶۹) و برخی سال ششم بعثت را زمان پذیرش اسلام او نوشته‌اند (الفاسی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۴۴۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳: ۶)، اما مشهور در میان مورخان همان سال ششم است. برخی از کسانی که معتقد به سال دوم هستند نیز، سال ششم را سال آشکار نمودن اسلام حمزه دانسته‌اند. به هر حال، قدر متیقن آن است که او از سابقین در اسلام به شمار می‌رود و در شرایطی به اسلام ایمان آورد که هیچ نفع مادی و دنیوی در کار نبود و آنچه وجود داشت تحقیر، توهین، فشار، آزار و شکنجه بود. در چنین شرایطی، اسلام آوردن جز از روی اعتقاد و ایمان خالص متصور نیست.

اما نکته مهم و قابل تأمل از منظر این نوشتار آن است که اسلام آوردن حمزه(ع) و یا به تعبیر برخی از مورخان، آشکار نمودن اسلام او نیز در یکی از صحنه‌های تاریخی دفاع ایشان از پیامبر در مقابل یکی از سرسخت‌ترین دشمنان آن حضرت رقم خورد. ماجرا مربوط به زمانی بود که حمزه(ع) از توهین ابوجهل به رسول خدا(ص) مطلع گردید. نوع توهین به گونه‌ای بود که

منجر به عصبانیت حمزه(ع) و برخورد شدید و شجاعانه او با ابوجهل و شکستن سر وی با کمان یا قلاف شمشیر گردید. این واقعه موجب شد حمزه(ع) اسلام خود را آشکار نموده و به صراحت اعلام نماید که «من به دین برادرزاده‌ام درآمده‌ام و هر چه او بگوید من نیز می‌گویم» (ابن اسحاق، ۱۳۸۶: ۱۷۱؛ ابن هشام، ج ۱: ۲۹۲؛ طبری، ج ۲: ۳۳۴). به دلیل شجاعت و توانمندی حمزه(ع)، اظهار اسلام او نیز بسیار صریح و شجاعانه بود و بدون هیچ باکی از مشرکان اقدام به این کار نمود و مشرکان نیز جرئت عکس‌العمل جدی به این اقدام نیافتند. در تأثیر این واقعه و عدم عکس‌العمل جدی مشرکان، دو موضوع دخیل بود؛ نخست موقعیت اجتماعی حمزه و انتساب او به پیامبر و دیگری ویژگی‌های شخصی بویژه شجاعت ایشان، و اگر این دو نبود، هم تأثیر اسلام آوردن حمزه چندان زیاد نبود و هم مشرکان برخورد شدیدی می‌نمودند.

پذیرش اسلام از سوی حمزه(ع) به اندازه‌ای اهمیت داشت که عنوان مقطعی از تاریخ پیامبر(ص) تلقی شد؛ به گونه‌ای که ذکر برخی حوادث سیره نبوی به پس یا پیش از اسلام حمزه(ع) زمان گذاری شده است (ابن اسحاق، ۱۳۶۸: ۲۰۷). پس از آغاز دعوت علنی در سال سوم بعثت و شروع مخالفت جدی مشرکان، می‌توان گفت سال ششم بعثت و اسلام آوردن حمزه به نوعی سرآغاز یک مقطع جدید در دوران مکی به شمار می‌رود. محمود الشراقوی، نویسنده مصری می‌نویسد: اسلام حمزه، نقطه آغاز دوره جدیدی در تاریخ دعوت اسلامی به شمار می‌رود، زیرا از یکسو موجب گرایش بنی‌المطلب به پیامبر شده از سوی دیگر، سایر قریشیان دشمنی خود را با پیامبر آشکارتر نمودند (الشراقوی، بی تا: ۱۷). گرچه برخی پذیرش اسلام توسط حمزه(ع) را به خاطر حمیت و عصبیت دانسته و تلاش نموده‌اند این عمل او را به نوعی عصبیت قبیله‌ای تقلیل دهند اما بسیاری معتقدند این عمل ناشی از اعتقاد وی به پیامبر و دین او بود. در این باره، از امام زین‌العابدین (ع) روایتی نقل شده است که فرمود: «حمیت و عصبیتی غیر از حمیت حمزه بن‌المطلب وارد بهشت نخواهد شد و این بدان جهت است که اسلام او بخاطر غضب برای پیامبر خدا بود» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۰۸).

مسلمان شدن حمزه(ع) و حمایت آشکار او از پیامبر، اوضاع اجتماعی مکه را دگرگون ساخت و از دو جهت در گسترش و تثبیت دین اسلام تأثیر مثبت بر جای نهاد:

۱.۱. تقویت جبهه پیامبر و مسلمانان

یکی از مهمترین تأثیرات اسلام آوردن حمزه(ع)، تقویت جبهه پیروان رسول خدا(ص) بود. تا پیش از آن، از میان قریش و حتی بنی‌هاشم، به جز علی(ع)، کسی آشکارا اسلام نیاورده بود.

صرف نظر از افرادی از بنی‌هاشم مانند ابولهب عموی پیامبر و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب، که به صراحت در صف مخالفان پیامبر قرار گرفته بودند و گروه دیگری که با سکوت خود به نوعی دیگر با قریش همراهی کردند و یا افرادی مانند عباس بن عبدالمطلب که بعدها ایمان آوردند ابوطالب نیز که در جایگاه ریاست قبیله بنی‌هاشم، حامی اصلی پیامبر به شمار می‌رفت، به دلایلی اسلام خود را آشکار ننموده بود. بنابراین، حمزه(ع)، به نوعی اولین نفر از بزرگان بنی‌هاشم به شمار می‌رود که علناً اسلام آورد و با این اقدام، هم ایمان خود را به دین اسلام و هم حمایت قاطع خویش از پیامبر را اعلان نمود. از این پس حمزه(ع) و علی(ع) دوشادوش یکدیگر، با حمایت همه جانبه از پیامبر، نقش موثری را در پیشبرد دین اسلام ایفا نمودند. بی جهت نیست که سیره نویسان و مورخان، اسلام آوردن حمزه(ع) را مایه عزت دین خدا (ابن اسحاق، ۱۳۶۸: ۱۷۲) و موجب توانمندی مسلمانان قلمداد نموده‌اند (ابن هشام، ج ۱: ۳۴۲، ۳۴۶، ۴۱۷)، زیرا اسلام حمزه(ع) در شرایطی رخ داد که پیروان اسلام اندک و دشمنان آن بسیار بود و جبهه پیروان پیامبر نیازمند حضور افرادی برجسته مانند او بود.

تأثیر دیگری که مسلمان شدن حمزه(ع) داشت این بود که در گرویدن خویشان او به اسلام مؤثر بود (ابن سعد ۱۴۱۰، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۲۳). طبیعتاً در نظام قبیله‌ای حجاز و مکه، اسلام آوردن یکی از سران قبایل می‌توانست موجب دلگرمی و اعتماد به نفس افرادی که نوعی ترس یا تردید در دل داشتند گردیده و در گرویدن آنان به دین جدید تأثیر جدی داشته باشد در چنین شرایطی، اسلام آوردن حمزه(ع)، با توجه به موقعیت اجتماعی او، تأثیر قابل توجهی بویژه در میان بنی‌هاشم داشت. به همین دلیل، پس از آشکار شدن اسلام حمزه، بنی‌هاشم و بنی عبدالمطلب نیز حمایت صریحتری از پیامبر نمودند و این موضوع موجب ترس قریش گردید و بزرگان آنها خطر این جنابیی و شکاف را دریافتند (الشرقاوی، بی تا: ۱۸).

۲.۱. کاهش فشارهای مشرکان به پیامبر

نتیجه و پیامد دیگر اسلام آوردن حمزه(ع)، این بود که مشرکان مکه پی بردند که جبهه پیامبر تقویت شده و یاران قدرتمندی یافته است. از آن پس، دیگر آنان نمی‌توانستند رسالت پیامبر را کوچک شمرده و با تمسخر و توهین با آن حضرت برخورد نمایند، زیرا از غضب حمزه و دیگر بزرگان حامی پیامبر می‌ترسیدند (الشرقاوی: ۱۸).

حمزه(ع) پس از اعلان اسلام خویش، یکی از ملافعان قوی و پشتیبانان صریح رسول خدا گشت و این حمایت آشکار، سبب کاهش آزارهای مشرکان گردید (ابن هشام، ج ۱: ۳۱۲). به

گفته ابن هشام، از آن پس، قریش چون دیدند محمد پیشتیبانی قوی مانند حمزه دارد و او را از آسیب آنان نگاه خواهد داشت، کمتر متعرض وی شدند (ابن هشام، ج ۱: ۲۹۱-۲۹۲). حداقل اثر اسلام آوردن حمزه (ع) این بود که مشرکان دیگر مانند گذشته، بی‌مه‌با به پیامبر جسارت نمی‌کردند (ابن اسحاق، ۱۳۶۸: ۱۷۲). به علاوه، اقدامات بعدی آنان در برابر مسلمانان نیز با توجه به پشتیبانی افراد قدرتمندی چون حمزه (ع) صورت گرفت (ابن هشام، ج ۱: ۳۵۰). بنا به نقل ابن اثیر و گروهی از مورخان، با گرویدن حمزه به اسلام، سردمداران قریش از طرحها و نقشه‌های زیادی که بر علیه اسلام و مسلمین ترسیم کرده بودند منصرف شدند (ابن اثیر، ۱۹۷۳: ۵۳۰). به هر حال، قدر متیقن از اخبار و گزارشهای تاریخی آن است که اسلام آوردن حمزه (ع) و دفاع آشکار و محکم او از پیامبر، در کاهش فشارهای مشرکان و تغییر استراتژی های آنان در مواجهه با رسول خدا (ص) تأثیر قابل توجهی داشته است و این باز می‌گردد به موقعیت اجتماعی و ویژگیهای فردی ایشان به عنوان یک شخصیت مطرح و تأثیرگذار در جامعه.

۲. نقش حمزه (ع) در وقایع مهم دوران مکه

یکی از نکات بسیار مهم در مسیر حمایت از رسول خدا و دین اسلام، حمایت در شرایط سخت و دشوار است. در شرایطی که فضای مکه جاهلی، به تعبیر امروزی، فضایی امنیتی و کاملاً بر علیه پیامبر بود و مشرکان قریش از هر نوع فشار و تهدید نسبت به رسول خدا و پیروان و حامیان او استفاده می‌کردند اسلام آوردن و حمایت از پیامبر کاری بسیار دشوار بود، به همین دلیل در این مقطع، تنها افراد معدودی از اهالی مکه، حتی از خاندان پیامبر به او ایمان آورده و از ایشان حمایت کردند و حمزه (ع) یکی از آن معدود افراد بود. همراهی حمزه (ع) با پیامبر در دعوت علنی به اسلام، در شرایطی که فضای غالب مکه و اکثریت مکیان، بویژه سران و بزرگان قبایل مخالف پیامبر و دین جدید بودند اهمیت بسیار زیادی دارد. اگرچه حمایت حمزه از پیامبر در طول دوران مکه استمرار داشت، اما نقش او در وقایع مهم این دوره بهتر مشخص می‌شود.

یکی از وقایع مهم این دوره، هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه بود که به دلیل رهایی از فشارهای مشرکان رخ داد. در این میان، حمزه (ع) از جمله کسانی بود که در کنار پیامبر (ص) ماند و به حبشه مهاجرت نکرد (ابن هشام، ج ۱: ۳۴۳). طبعاً مهاجرت به حبشه در آن شرایط، چه بسا از نظر شخصی برای حمزه بهتر بود و می‌توانست برای مدتی از فشارهای مشرکان قریش در امان باشد اما او ترجیح داد در این شرایط دشوار پیامبر را تنها نگذارد و به عنوان یک حامی

جدی در کنار آن حضرت بماند و همانند ابوطالب(ع) و علی(ع) از رسول خدا(ص) پاسداری نماید.

واقعۀ مهم دیگر این دوره، تحریم بنی‌هاشم توسط مشرکان مکه بود که البته این راه نیز مانند روشهای دیگر آنان پاسخ نداد. اگرچه این دوره سه ساله بسیار دشوار بود و مسلمانان سختیهای بسیاری را تحمل نمودند. در طول این سه سال که مشرکان، بنی‌هاشم را در شعب ابی طالب محاصره کردند حمزه با مسلمانان همراه بود (ابن اسحاق، ۱۳۶۸: ۱۶۰-۱۶۱). یکی از نقشهای مهم حمزه در این دوره مهم، حفاظت از جان پیامبر بود که به خوبی از عهده این امر خطیر برآمد.

یکی از وقایع مهم این مقطع که زمینه ساز هجرت پیامبر از مکه به مدینه شده بیعت یا پیمان عقبه بود. حمزه(ع)، در ایجاد زمینه برای پیمان، پاسداری از پیامبر و پوشیده ماندن این دیدار پنهانی از مشرکان، نقشی فعال داشت. از میان یاران مکی پیامبر حضرت علی(ع) و حمزه(ع)، پیامبر را در این واقعه همراهی کردند و مراقب بودند تا مشرکان بدانجا نزدیک نشوند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۵۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۷۳). بدین ترتیب، حمزه در این صحنه مهم تاریخی نیز نقش مهمی ایفا نمود و از بروز خطری جدی برای پیامبر و هم پیمانان یثربی آن حضرت جلوگیری به عمل آورد.

د. نقش حضرت حمزه(ع) در دوره سه ساله حضور در مدینه

با هجرت مسلمانان به یثرب دوران جدیدی برای اسلام و مسلمانان رقم خورد. اگرچه دوران مکه نیز از اهمیت خاصی برخوردار بود و نقش هر یک از یاران پیامبر در آن دوره حساس و دشوار حائز اهمیت فراوانی است، اما با توجه به محدودیتهای شدیدی که در مکه وجود داشت، طبعاً امکان بروز و ظهور توانمندیها و نقش آنان، چنانکه باید وجود نداشت. پس از هجرت مسلمانان به مدینه با توجه به دگرگونی جدی که در اوضاع مسلمانان و تشکیل دولت اسلامی با رهبری پیامبر اکرم پدید آمد از یکسو زمینه برای رشد و گسترش اسلام فراهم گردید؛ از سوی دیگر، مشرکان قریش احساس خطر بیشتری از ناحیه مسلمانان نموده و دشمنی آنان نیز صورت جدی‌تری به خود گرفت، به گونه‌ای که در این دوره شاهد وقوع درگیری‌های نظامی جدی و تعیین کننده‌ای میان مشرکان و مسلمانان هستیم. در چنین شرایطی نقش یاران خاص پیامبر نیز بیش از پیش هویدا گردید حمزه(ع) در طی سه سالی که پس از هجرت در قید حیات بود، در

مهمترین وقایع این دوران حساس نقش ایفا کرد. اگرچه نقش او بیش از همه در جهاد و دفاع نظامی از پیامبر و دین اسلام شهرت دارد، اما در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز حضوری پررنگ و تأثیرگذار داشت.

۱. نقش حضرت حمزه در وقایع پیش از جنگ بدر

سوگمندان در منابع تاریخی گزارش چندانی در مورد نقش حضرت حمزه در وقایع دوران مدینه، به جز دو نبرد مهم بدر و أحد وجود ندارد. آنچه در برخی منابع آمده حاکی از آن است که حمزه برخی سرایا رهبری سپاه را ببر عهده داشته و در برخی غزوات نیز پرچمدار بوده است. با توجه اهمیت ویژه پرچمداری در جنگها، پرچم را به دست افراد شجاع می‌دادند که بتوانند به خوبی از آن مراقبت نموده و اجازه ندهند به آسانی بر زمین بیفتد. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: "پرچم را به دست هر کس ندهید مگر به دلاوران و کسانی که شما را از هر پیش‌آمد بدی مانع می‌شوند" (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴).

طبق نقل برخی منابع تاریخ معتبر، حمزه اولین فرمانده و پرچمدار اسلام است که از سوی رسول خدا در رأس گروهی از مسلمانان برای حمله به مشرکان، به منطقه‌ای بنام «سیف البحر» اعزام گردید. ابن سعد می‌نویسد: در سال اول هجری، هفت ماه پس از حضور رسول خدا(ص) در مدینه، اولین پرچمی که رسول خدا(ص) برای مبارزه با مشرکان بست، پرچم حمزه بن عبدالمطلب بود (ابن سعد ۱۴۱۰، ج ۲: ۳). واقدی نیز آن را نخستین پرچمی می‌داند که پیامبر پس از ورود به مدینه برافراشت و به حمزه بن عبدالمطلب سپرد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۷۷). علاوه بر این سریه، حمزه(ع) در غزوات ابواء یا ودان، ذوالعشیره و بنی‌قینقاع نیز پرچمدار بود (ابن سعد ۱۴۱۰، ج ۲: ۹۸ و ج ۳: ۱۰). با توجه به اهمیت این غزوات، تعیین حمزه(ع) به عنوان پرچمدار سپاه از سول رسول خدا(ص) نشانگر جایگاه ویژه ایشان نزد پیامبر و همچنین ویژگیها و توانمندی‌های شخصی حمزه بویژه شجاعت و دلاوری او می‌باشد.

۲. جنگ بدر و حماسه آفرینی حمزه

جنگ بدر نخستین رویارویی جدی مسلمانان با کافران به شمار می‌رود که نتیجه آن و پیروزی در آن می‌توانست در آینده اسلام و مسلمانان تأثیر بسیار مهمی داشته باشد. اگر مسلمانان در این نبرد شکست می‌خوردند پیامدهای ناگواری برای آنان به دنبال می‌داشت، اما پیروزی آنان در این جنگ سرنوشت ساز، از یکسو موجی از امیدواری و اعتماد به نفس را در

مسلمانان ایجاد نمود و موجب استواری ایمان آنان به پیامبر و دینشان گردید و در پیشبرد اهداف پیامبر و مسلمانان نقش موثری ایفا نمود؛ از سوی دیگر محاسبات کفار در مورد مسلمانان را به هم ریخت و به قدرت و توان دفاعی آنان پی بردند و طبعاً این موضوع در نوع تعامل و مواجهه آنان با مسلمانان در ادامه تأثیر جدی بر جای نهاد.

اگرچه عامل اصلی این پیروزی طبق آیات قرآن(آل عمران: ۱۲۳؛ انفال: ۱۷)، امداد الهی، ایمان راسخ مسلمانان و رهبری شخص پیامبر اکرم بود، اما برخی افراد شاخص نیز در آن نقش کلیدی داشتند از جمله این شخصیت‌های بارز، حمزه سیدالشهداء بود که در صحنه‌های مختلف جنگ بدر، رشادت‌های عظیمی از خود نشان داد و در کنار علی بن ابیطالب(ع) نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت این نبرد و پیروزی مسلمانان ایفا نمود. پیش از جنگ، پیامبر از مسلمانان بیعت بر وفاداری گرفت، حمزه نیز با پیامبر بر وفاداری و استقامت در نبرد بیعت کرد (ابن هشام، ج ۱: ۶۱۳؛ واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۴). در این غزوه، حمزه در نزدیک‌ترین بخش سپاه اسلام به مشرکان بود(ابن سعد ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۲). با توجه به نوع جنگ‌های قدیم که در مرحله نخست به صورت تن به تن انجام می‌گرفت و سپس نبرد عمومی آغاز می‌شد، پیروزی یا شکست در این نبردهای انفرادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و تأثیر تعیین کننده‌ای در سرنوشت جنگ داشت. یکی از نکات قابل توجه در این غزوه از منظر این نوشتار آن است که مشرکان از پیامبر خواستند کسانی را برای جنگ تن به تن به میدان بفرستند که از منزلت بالایی برخوردار بوده و در شأن افراد معرفی شده از سوی آنان باشند این نکته مؤید همان موضوعی است که در بخش نخست این نوشتار در مورد ساختار سیاسی، اجتماعی حجاز گفته شد لذا هنگامی که سه تن از انصار (عوف بن حارث، معوذ بن حارث و عبدالله بن رواحه) برای نبرد پیش قدم شدند(طبری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۳۵)، قریش آنها را نپذیرفتند و از پیامبر(ص) خواستند کسانی هم‌تراز آنان از میان قریش برای نبرد با آنها حاضر شوند. آن حضرت نیز حمزه، علی(ع) و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب را برای این منظور تعیین نمودند. هنگامی که آنان در مقابل سپاه دشمن قرار گرفتند به دلیل آنکه نقاب بر چهره داشتند شناخته نشدند. مشرکان از آنان خواستند خود را معرفی نموده و نسب خود را بگویند. آنها نیز خود را معرفی نمودند پس از معرفی، مشرکان گفتند: مبارزان بزرگ و هم‌تراز ما هستی(مفید ۱۳۷۸: ۷۷). افراد معرفی شده از سوی مشرکان نیز عتبه بن ربیع، شیبه بن ربیع و ولید بن عتبه بودند که همگی از سران قریش بودند. حمزه به سرعت شیبه بن ربیع را از پای در آورد و علی بن ابیطالب(ع) نیز ولید بن عتبه را به قتل رساند.

سپس آن دو به کمک عبیده بن حارث که مجروح شده بود شتافتند و عتبه را از میان برداشتند (ابن هشام، ج ۱: ۶۲۵؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۶۹).

نتیجه این نبرد انفرادی و آغازین، از نظر روحی، روانی در ادامه جنگ بسیار تأثیرگذار بود. کشته شدن این سه تن که از ارکان سپاه مشرکان بودند لشکر دشمن را سست گردانید و آنان را دچار احساس ذلت نمود. با ترسی که در دل سپاه دشمن افتاد، مسلمانان قوت قلب گرفته و نشانه های پیروزی آنان هویدا گردید (مفید ۱۳۷۸: ۷۷). بنابر گزارش منابع تاریخی، در ادامه جنگ نیز، چند تن از مشرکان، مانند ابو قیس بن فاکه بن مغیره، اسود بن عبد الاسد مخزومی و نبیه بن حجاج بن عامر به دست حمزه کشته شدند. به علاوه، حمزه در هلاکت حنظله بن ابی سفیان، عتبه بن ربیع، زمعه بن اسود، عقیل بن اسود بن مطلب و طعیمه بن عدی افراد زیر نیز مشارکت داشت. (ابن هشام: ۷۱۳-۷۰۹؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۴۸-۱۵۱)

نقش حمزه در این نبرد به اندازه‌ای برجسته بود که دشمن نیز بدان اذعان و اعتراف می‌نمود. برای نمونه، امیه بن خلف، از بزرگان سپاه دشمن که به اسارت مسلمانان در آمده بود، شکست مشرکان را به خاطر اقدامات و دلاوری‌های حمزه در میدان جنگ دانسته و گفت «ذَلِكَ فَعَلَ بِنَا الْأَفَاعِيلِ» او بود که صفوف ما را تار و مار کرد و ما را به روز سپاه نشاندا! (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۸۳).

اهمیت این حضور و نقش آفرینی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که شرایط خاص و دشوار جنگ بدر را در نظر بگیریم که بسیاری از شجاعان در میدان جنگ نسبت به آن سینه‌ای مالا مال از هراس داشتند و طبق آیات قرآن کریم (انفال: ۵، ۶، ۱۵)، برخی به خاطر ترس از حضور در جنگ، آن را به تأخیر انداخته و نسبت حضور در آن اکراه داشتند (مفید ۱۳۷۸: ۷۵). در چنین شرایطی، حضور فردی مانند حمزه (ع) که در شجاعت و جنگاوری زبانزد بود، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت نبرد حساسی مانند بدر داشت.

۳. نقش حضرت حمزه (ع) در معرکه احد

جنگ احد یکی دیگر از نبردهای مهم در تاریخ اسلام به شمار می‌رود که حمزه (ع) نقش مؤثری در آن داشت. او از جمله کسانی بود که خواستار جنگ در بیرون مدینه بودند به گونه‌ای که سوگند خورد چیزی نخورد تا وقتی در خارج از شهر با دشمن بجنگد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۵: ۶۸). این مخالفت نیز دلیل آشکاری بر شجاعت حمزه به شمار می‌رود، زیرا او و دیگر مخالفان،

معتقد بودند جنگیدن در داخل شهر موجب خواهد شد دشمن گمان کند مسلمانان ترسیده‌اند و نسبت به آنان جرئت و جسارت بیشتری پیدا نمایند. در مرحله نخست جنگ که به شکست دشمن انجامید حمزه(ع) و امام علی(ع) نقش برجسته‌ای در پیروزی مسلمانان داشتند در این نبرد، حمزه فرماندهی قلب سپاه اسلام را بر عهده داشت (ابن خیاط، ۱۴۱۵: ۶۷) و با رجزخوانی در میانه میدان، قهرمانانه و با ایمانی استوار مبارزه می‌کرد. او با دو شمشیر می‌جنگید (ابن سعد ۱۴۱۰، ج ۳: ۸) و در این جنگ رشادت‌های بسیاری نمود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۲۶). ارطاة بن عبد شُرَحْبیل و عثمان بن ابی‌طلحه که هر دو پرچم دار مشرکان بودند به دست حمزه کشته شدند (ابن هشام، ج ۲: ۷۴). علاوه بر آن، او "سبّاع بن عبدالعزّی" و "عمرو بن فضله" را به جمع کشتگان شرک فرستاد. طبعاً از میدان به در کردن هریک از افراد مذکور، بویژه پرچمداران سپاه شرک، در شکست مشرکان و پیروزی مسلمانان در مرحله نخست بسیار مؤثر بود.

در نهایت نیز پاداش حمایت جانانه حضرت حمزه در دفاع از پیامبر و دین اسلام، شهادت او در این نبرد مهم بود. نحوه انتقام‌گیری مشرکان از حمزه و شهادت فجیعانه او، و خشنودی بیش از حد مشرکان از این رخداد و ناراحتی عمیق پیامبر از این واقعه تلخ، بزرگترین سند نقش آفرینی مؤثر او در دفاع از پیامبر و دین اسلام به شمار می‌رود. حمایتی که از خانه خدا به صورتی آشکار، آغاز گردید و در نهایت با نیل به شهادت در معرکه دشوار احد و امضاء خونین پای این کارنامه پرافتخار و دریافت لقب بسیار ارزشمند «سید الشهداء» از رسول خدا(ص) به پایان رسید.

اگرچه برخی از کوتاه فکران تلاش نموده اند اندوه پیامبر را صرفاً به خاطر رابطه نسبی قلمداد کنند اما حقیقت آن است که حزن پیامبر و گریستن او بر حمزه(ع) نه فقط به خاطر انگیزه‌ها و علائق شخصی و رابطه نسبی، بلکه بدان جهت بود که اصحاب و امت پیامبر(ص) نسبت به مقام و منزلت حمزه و خدمات برجسته او به دین اسلام و ثبات قدم او در این مسیر دشوار و تأثیر بزرگ او در اعلاّی کلمه الله معرفت بیشتری پیدا کنند. اندوه پیامبر، در حقیقت به خاطر مصیبتی بود که بر اسلام و مسلمانان، به خاطر از دست دادن مجاهدی بزرگ مانند او وارد شد (عاملی: ۱۳۷۸: ۲۲۸). طبعاً ضرورت این معرفت، نه فقط محدود به آن زمان و افراد حاضر در آن معرکه و آن عصر، که برای امت اسلامی در همه اعصار بوده و خواهد بود.

نتیجه

بنابر آنچه در این نوشتار به اجمال گفته شد، در میان بستگان پیامبر(ص)، حمزه(ع) عموی بزرگوار آن حضرت، نقش بسیار مؤثری در دفاع از پیامبر و گسترش دین اسلام ایفا نمود. ایفای نقش سیاسی، اجتماعی حضرت حمزه، علاوه بر رابطه نسبی ایشان با پیامبر، از یکسو مرهون جایگاه و منزلت اجتماعی حمزه(ع) در شهر مکه و در قبیله قریش و از سوی دیگر به دلیل ویژگیهای شخصیتی و توانمندیهای ایشان و البته ایمان راسخ او به پیامبر و دین مبین اسلام بود. این نقش در صحنه‌های گوناگون این مقطع کوتاه، اما بسیار مهم و حیاتی از تاریخ اسلام، از اسلام آوردن و مقابله با فشارهای مشرکان در شرایط دشوار مکه، تا دفاع جانانه از پیامبر(ص) و دین اسلام در نبردهای حیاتی بدر و احد متجلی گردید. حمزه در فاصله این چند سال از اسلام آوردن تا شهادت، ایمان راسخ خود را به پیامبر(ص) و دین اسلام نشان داد و از هیچ کوششی در این مسیر ارزشمند و دشوار کوتاهی ننمود و در نهایت نیز با شهادت خویش، مهر تأییدی بر این دفاع و وفاداری خود به پیامبر و دین اسلام نهاد و سند آن را در تاریخ اسلام ثبت و با خون خود امضاء نمود. اندوه و گریه رسول خدا(ص) پس از شهادت حمزه(ع) و اعطای لقب «سید الشهداء» به او، و خشنودی مشرکان از شهادت وی، بزرگترین گواه بر تأثیرگذاری و جایگاه و نقش برجسته آن بزرگوار در دفاع از پیامبر(ص) و دین اسلام به شمار می‌رود. از نظر نگارنده، اگر این جایگاه و موقعیت اجتماعی و ویژگیهای شخصیتی در کنار ایمان راسخ حمزه(ع) نبود، این تأثیرگذاری برجسته نیز چنین رخ نمی‌نمود.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن اثیر، علی بن محمد اسدالغابه فی معرفه الصحابه، چاپ محمد ابراهیم بنا و محمد احمد عاشور، قاهره ۱۹۷۳.
 ۲. ابن اسحاق، السیر و المغازی، تحقیق سهیل زکار، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۶.
 ۳. ابن حبیب بغدادی، محمد المَحَبَّر، تحقیق ایلزّه لیختن شتیتیر، بیروت، دار الآفاق الجدیدة، بی تا.
 ۴. ابن حبیب بغدادی، محمد المُنَمَّق فی اخبار قریش، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
 ۵. ابن خیاط، خلیفه، تاریخ، تحقیق نجیب فواز، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
 ۶. ابن سعد محمد الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
 ۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
 ۸. ابن کثیر دمشقی، عماد الدین اسماعیل، البدایه و النهایه، بیروت: دارالمعارف، ۱۴۰۷ق.
 ۹. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق ابراهیم ابیاری و دیگران، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
 ۱۰. ابوالحمد عبدالحمید مبانی سیاست، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۲.
 ۱۱. اسکافی، محمد بن عبدالله، المعیار و الموازنه، بیروت، ۱۴۰۲ق.
 ۱۲. الشرقاوی، محمود، اهل البیت، اهل البیت، بیروت: مکتبه العصریه، بی تا.
 ۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷م.
 ۱۴. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
 ۱۵. جاحظ، الرسائل السیاسیه، جاحظ، تحقیق علی بو ملحّم، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۲.
 ۱۶. جمعی از نویسندگان، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳.

۱۷. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار الساقی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ هـ.
۲۰. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخنامه، گردانیده منسوب به بلعمی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: سروش، ۱۳۸۰.
۲۱. عاملی، سید جعفر مرتضی: صفوة الصحیح من سیره النبی(ص)، تهران: مشعر، ۱۳۷۸.
۲۲. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت و بغداد: دارالعلم، ۱۹۷۶م.
۲۳. الفاسی، تقی الدین محمد بن احمد العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹.
۲۴. فاضلی، نعمت الله، جامعه نقش اجتماعی در ایران، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره دهم، شماره ۳، بهار ۸۶.
۲۵. فسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفه و التاريخ، اکرم ضیاء العمری، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ طیب موسوی جزائری، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. تهران: اسوه، ۱۳۸۵.
۲۸. کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی، ۱۳۸۵.
۲۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب، قم، انصاریان، ۱۳۷۶.
۳۲. مفید محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه امیرخان بلوکی، قم: تهذیب، ۱۳۷۸.
۳۳. نجمی، محمدصادق، حمزه سیدالشهدا، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۳.
۳۴. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، تهران، رایزن، ۱۳۶۹.
۳۵. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسلن جونس، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ق.